

به مناسبت هفدهمین سالگرد قتل نویسندگان آزادیخواه، محمد مختاری و جعفر پوینده

✘ بیانیه ی کانون نویسندگان ایران

در هفدهمین سالگرد قتل محمد مختاری و جعفر پوینده، یاد عزیز آن جان باختگان راه آزادی را گرامی میداریم. مرگ جانگداز آن جانهای عاشق با گذشت این همه سال هنوز بر جسم و جان آزادیخواهان ایران و جهان آتش میزند. سهل است، حتی یادآوری این داغ شریبار روح و روان انسانهای آزاده را می سوزاند، و ای بسا برخی کسان، از همین رو، مصلحت را در دم فرو بستن و سوختن و ساختن با این داغ بدانند.

اما کانون نویسندگان ایران، هم به عنوان مدافع پیگیر آزادی بیان و ادامه دهنده ی راه پوینده و مختاری و همه ی رهروان راه آزادی و هم در مقام جوینده ی حقیقتِ کل قتل‌های سیاسی - عقیدتی - موسوم به زنجیره ای، نه تنها سوختن در این داغ را به جان میخورد و بر این فاجعه ی اجتماعی چشم نمیبندد بلکه در عین مقاومت در برابر هرگونه ستم و سرکوب با صدایی هرچه رساتر برای ستمدیدگان این فاجعه دادخواهی می کند. کانون بر آن است تا زمانی که این غده ی سرطانی همچنان در دل جامعه ی ایران جا خوش کرده و جولان می دهد، تا زمانی که صداهای دادخواهان و اعتراضی همچنان با داغ و درفش و سرکوب و خفقان رو به رو میشوند، هیچ انسانی نمیتواند خود را آزادیخواه بنامد مگر آن که برای جراحی و از میان برداشتن این غده ی انسان سوز و دیگر بسترهای آزادی ستیزی در جامعه ی ایران به پا خیزد.

فاجعه ی قتل‌های سیاسی - عقیدتی در این سالها بیشک از برخی جهاتِ مهم مورد اعتراض و نقد و ریشه یابی قرار گرفته است. اما زوایای پنهان و کتمان شده ی آن به علت فضای سنگین سرکوب و اختناق همچنان ناروشن باقی مانده، و آنان که جرأت ورود به این زاویه ها را به خود داده اند، از جمله ناصر زرافشان عضو کانون نویسندگان ایران و وکیل خانواده های قربانیان این قتلها، متحمل هزینه هایی بس گزاف شده اند. رئیس وقتِ کمیسیون اصل نود مجلس بر همین زاویه ی کتمان شده انگشت گذاشت آن گاه که اعلام کرد: ما در بررسی قتل‌های زنجیره ای به جایی رسیدیم که جلوتر از آن نمیتوانستیم برویم. کانون

نویسندگان ایران در این سالها همواره بر چند نکته ی مهم و کلیدی تأکید کرده که میتواند این زوایای پنهان را تا حدود زیادی روشن کند. نخست این که شمار قتل‌های زنجیره ای بسی بیش از آن است که به کشتار چهار نفر یعنی پروانه اسکندری، داریوش فروهر، محمد مختاری و جعفر پوینده محدود شود. از آن زمان به بعد، علاوه بر دهها نام دیگر، از این نامها نیز به عنوان قربانیان قتل‌های زنجیره ای یاد شده است: غفار حسینی، احمد میرعلایی، علی اکبر سعیدی سیرجانی، احمد تفضلی، ابراهیم زالزاده، مجید شریف، پیروز دوانی، حمید حاجی زاده و فرزند خردسالش، کارون. افزون بر این، قرار بود شمار دیگری از نویسندگان را با اتوبوس به اعماق دره پرتاب کنند، کشتاری دسته جمعی که البته ناکام ماند. نکته ی دیگر آن که آمران این قتلها را باید در رده های بالاتر از رده ی مأموران دست چندی از نوع سعید امامی و مصطفی کاظمی و امثال آنها جست و جو کرد. همان مقدارِ بس ناچیز از اعترافات متهمان که به بیرون درز کرد نشانگر این حقیقت بی چون و چراست که تصمیم گیری در مورد این قتلها فراتر از اختیارات کسانی بوده که به عنوان متهم معرفی شدند. اما وجه مهم دیگری که کانون بر آن تأکید کرده و همچنان میکند این است که خفه کردن مختاری و پوینده نه قتل معمولی بلکه جنایتی مضاعف است، به این معنا که در جریان آن علاوه بر سلب حق حیات از دو انسان، آزادیخواهی و دگراندیشی نیز به مسلخ کشیده شده است. به یاد داریم که اندکی پس از قتل‌های آذر ۱۳۷۷، دادستان سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان مرجع رسیدگی به پرونده اعلام کرد متهمان درباره ی مقتولان ادعاهایی دارند که باید آنها را با استناد به ماده ی ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی اثبات کنند. ماده ی ۲۲۶ قانون پیشینِ مجازات اسلامی چنین مقرر کرده بود: «قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند.» به این ترتیب، به گفته ی مرجع رسیدگی به پرونده، قاتلان ادعا کرده بودند که پوینده و مختاری و فروهرها را به دلایل شرعی کشته اند. این ادعا هیچ معنایی نداشت و ندارد جز آن که این انسانها را به دلیل عقاید دگراندیشانه و فعالیتهای آزادیخواهانه شان کشته اند. یادآور میشویم که برخی از متهمان در دادگاه همین ادعای «استحقاق کشته شدن» را درباره ی مقتولان مطرح کردند، و این با وجود تمام تلاشها و ترفندهایی بود که پنهان کنندگانِ حقیقتِ قتلها برای انصراف متهمان از طرح این ادعا به کار بستند، چرا که میخواستند و همچنان میخواهند مواد قانونی از نوع ماده ی فوق را، که به توحش و آدم کشی جنبه ی قانونی می دهند، محفوظ نگه دارند تا با استناد به

آنها بتوانند به طور قانونی نیز صداهای آزادیخواهانه را در گلو خفه کنند. پنهان سازیِ عامدانه ی همین حقیقت است که، به نظر کانون نویسندگان ایران، جنایتی است دیگر - علاوه بر جنایت سلب حق حیات - در حق قربانیان قتل‌های زنجیره ای، از جمله دو نویسنده ی آزادیخواه و دو عضو صادق و پیگیر کانون نویسندگان ایران، محمد مختاری و جعفر پوینده. و ما همچنان دوره خواهیم کرد داستان روشنگرانه، هرچند دردناک، این جنایت مضاعف را بر سر هر کوی و برزن، تا آن زمان که پرده برافتد، ابعاد پنهان این جنایت برای مردم ایران و جهان سراسر آشکار شود، آمران و عاملان آن به سزای اعمال ننگین شان برسند و زمینه ی تکرار این توحش انسان ستیزانه از جامعه ی ایران رخت بریندد.

در هفدهمین سالگرد قتل وحشیانه و تبهارانه ی جعفر پوینده و محمد مختاری، روز جمعه ۱۳ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۵/۲ بعد از ظهر مزار آن جان باختگان راه آزادی را در امامزاده طاهر کرج گلباران میکنیم.

کانون نویسندگان ایران

۱۰ آذر ۱۳۹۴